



مقدمه

برای آشنا کردن کودکان با مفاهیم انقلابی، باید قدّ انقلاب را به اندازه ی سطح درک آن ها کوتاه کنیم تا نسیم انقلاب در جان آن ها بوزد.

این بسته، شامل بیست فعالیت انقلابی مربوط به گروه سنی دبستان می باشد. این بیست فعالیت شامل انجام پروژه های انقلابی، معرفی اردوهای انقلابی و نذری های انقلابی می شود. بیشتر فعالیت ها طوری طراحی شده اند که در فضای مدرسه قابل اجرا باشد. اگر چه برخی از آنها را هم می توان در خانه انجام داد.

امید است که دانش آموزان ما کوله پشتی انقلاب را به دست صاحب اصلی آن یعنی صاحب الزمان(عج) برسانند.

فهرست کتاب:

اردوهای انقلابی:

۱. ماموریت در برج آزادی

۲. بالابندی در خانه شهید
چمران؛ یار امام جون

۳. پیش به سوی خانه امام جون

۴. به وقت قرار...

نذری انقلاب:

۱. تخم مرغ پرچمی

۲. یک کاسه آش رشته

۳. شله زرد

۴. کاپ کیک تبریک

۵. کیک تولد انقلاب

پروژه های انقلابی:

۱. کتاب امام خمینی و یاران کوچک

۲. کارت خبرنگاری

۳. مجله ی انقلابی

۴. دوخت و دوز سه رنگ

۵. شعار نویسی

۶. همسایه سلام!

۷. ریسه و تزئین

۸. پرچم راهپیمایی

۹. ریسه ی هواپیمایی

۱۰. اخبار خمیری

۱۱. روزنامه دیواری خانگی

پروژه



۱. کتاب امام خمینی و یاران کوچک

کاغذ رنگی

مقوا

مداد رنگی

تعدادی عکس امام خمینی با
بچه ها

دستان قوی

خاطرات انقلابی



۱. کتاب امام خمینی و یاران کوچک

در کلاس ما، هر روز یکی از بچه ها مسئول پروژه است. مسئول پروژه ی نویسندگی امروز، ثمین بود. او یک انیمیشن کوتاه از رفتار امام خمینی(ره) با بچه ها برای کلاس آماده کرده بود. بچه ها مشغول تماشای انیمیشن و هم زمان خوردن ذرت های بو داده ای شدند که خودشان درست کرده بودند. بعد از تماشای انیمیشن، هرکس تصمیم گرفت یک کتاب درباره ی رفتار امام خمینی با بچه ها بنویسد. ثمین به هرکس یک مقوای رنگی و تعدادی کاغذ رنگی داد تا جلد و صفحات کتابشان را آماده کنند. بعد از آن، عکس های پرینت شده ی امام خمینی با کودکان را بین دوستانش تقسیم کرد و از آن ها خواست یک ماجرا از رفتار امام خمینی با بچه ها در کتابشان بنویسند.

۲. کارت خبرنگاری

مقوا

مداد

کاغذ



۲. کارت خبرنگاری

امروز اولین روز خبرنگاری ما در مدرسه است. علاقه ی ما از وقتی به خبرنگاری بیشتر شد که متوجه شدیم خانم نوری قبل از این که معلم ما بشود یک خبرنگار واقعی بوده است. خانم نوری گفت: هرکس دوست دارد خبرنگار شود اول باید یک کارت خبرنگاری برای خودش درست کند. بعد از آماده شدن کارت های مخصوص خبرنگاری، تصمیم گرفتیم سراغ افرادی که در زمان انقلاب بوده اند برویم و داستان ها و خاطرات جالب آن ها درباره ی انقلاب را ثبت کنیم. خبرنگار ها باید بعد از شنیدن هر خاطره، آن را در کاغذ مخصوص ثبت کنند. در بالای کاغذ باید اسم خبرنگار و در زیر آن اسم و خاطره ی آن فرد بیاید. کاغذهای خاطره نویسی سپس به دست بچه هایی سپرده می شود که دوست دارند این خاطرات را به تصویر بکشند و نقاشی کنند. در انتها، کلاس ما صاحب کتابچه ی خاطرات انقلابی می شود.

۳. مجله ی انقلابی

مداد

کاغذ



۳. مجله ی انقلابی

یک روز علیرضا از خانه ی شان تعدادی مجله و روزنامه ی قدیمی مربوط به پیروزی انقلاب با خودش به کلاس آورد. بعد از دیدن آن ها من و محمدجواد به علیرضا پیشنهاد تولید یک مجله ی انقلابی را دادیم. ما دوست داشتیم این مجله را مخصوص بچه های کوچکتر مدرسه درست کنیم. پس سعی کردیم یک مجله ی جذاب و کوتاه تولید کنیم. مسئولیت ها را تقسیم کردیم: طراحی جدول کلمات انقلابی با من، پیدا کردن شعرهای انقلابی و طراحی یک سؤال از شعرها با محمد جواد بود. علیرضا مسئول قسمت نقاشی شد. او در یک قسمت عکس شخصیت های انقلابی را بدون صورت قرار داده بود. و در طرف دیگر چهره های آن ها را گذاشته بود. بچه ها باید چهره ی مخصوص هر شخصیت را پیدا می کردند، می بریدند و به بدنش می چسبانند.

۴. دوخت و دوز سه رنگ

پارچه های سفید و سیاه

نوار اریب

قیچی

لوله کارتنی

نخ و سوزن



۴. دوخت و دوز سه رنگ

در ساعت پروژه به حیاط رفتیم. خاله به ما پارچه سفید و نوارهای اریب سبز و قرمز داد. منم شروع به بریدن کردم. نوارها را روی پارچه چسباندم و با استفاده از پارچه سیاه، علامت الله را درست کردم. بعد یک لوله نازک برداشتم و روی پارچه گذاشتم و با استفاده از نخ و سوزن روی آن را کوک زدم. حالا دیگر یک پرچم ایران داشتم که با دستان خودم ساخته بودم. آن را تکان دادم و شعر مورد علاقه ام را زمزمه کردم:

ای ایران، ای مهد عاشقان، سرزمین صاحب الزمان

خاکت مجنون خیز حیدر است، حاصل خیز از عشق حیدر است

ای پرچم سه رنگ تو علم شد از خمین، تا رسد به بانگ ان جدی الحسین

۵. شعار نویسی

مقوا

مداد

کاغذ رنگی

چسب

پولک های رنگی



۵. شعار نویسی

چند روز پیش، طهورا به خانه ی عمو مهدی رفت و مصاحبه ای درباره ی کارهای جالبی که او و دوستانش در دوران انقلاب انجام می دادند، تهیه کرد.

عمو مهدی، خاطره ای از شعار نویسی های روی دیوارها تعریف کرد. امروز، طهورا خیلی خوشحال بود، چون قرار بود مصاحبه ی او از رادیو انقلاب مدرسه پخش شود. بعد از آن همه ی بچه های کلاس، با نوشتن شعارهای انقلابی روی مقوا، دیوارهای مدرسه را تزیین کنند.

۶. همسایه سلام!

کاغذ رنگی

مقوا به رنگ های سبز و زرد و قرمز

چسب

قیچی



۶. همسایه سلام!

امروز در کلاس با پرچم انواع کشورها آشنا شدیم و درباره ی تفاوت طرح و رنگ آن ها گفتگو کردیم. یک هفته تا روز راهپیمایی ۲۲ بهمن وقت داریم. من و علی که خیلی از مدل طراحی پرچم کشورمان خوشمان آمده است؛ تصمیم گرفتیم برای روز راهپیمایی پرچم هایی را به عنوان هدیه برای بچه های کوچکتر محله ی ما آماده کنیم و با آن ها درباره ی پرچم کشورمان صحبت کنیم و به شرکت در راهپیمایی تشویق کنیم. پس دست به کار شدیم. تعدادی مقوا و کاغذ رنگی به رنگ های پرچم کشورمان تهیه کردیم و طرح پرچم را به اشکال مختلف ساختیم. مثلا بادبادک پرچمی، گل لاله ی پرچمی، درخت پرچمی و ...

۷. ریسه و تزئین

کاغذهای رنگی

چسب

قیچی



۷. ریشه و تزئین

اگر بخواهیم خاطرات دوران دانش آموزی خودمان را مرور کنیم حتما یکی از پررنگ ترین خاطره ها، خاطرات دهه فجر و تزئین کلاس هایمان است که بیانگر اتفاقی مهم در مدرسه بود. آن روز زینب به محض ورود به کلاس گفت: خاله از دیشب منتظرم که پیام مدرسه و با بچه ها کلاس رو تزئین کنیم. زهره گفت: مگه امروز چه خبره؟ زینب گفت: یادت نیست دیروز خاله چی گفت؟ دهههههههههه فجر. زهره خندید و گفت: آررره یادم اومد. همگی خندیدند و دست به کار شدند. آن روز کلاس چهره جدیدی به خود گرفت و پر از پرچم ها، گل ها و ریشه های کاغذی شد.

۸. پرچم راهپیمایی

رنگ انگشتی سبز و قرمز
قلمو
پارچه ی بزرگ و طولی سفید



۸. پرچم راهپیمایی

با بچه ها تصمیم گرفتیم به مناسبت دهه ی فجر، یک نمایش درباره راهپیمایی ۲۲ بهمن اجرا کنیم. هرکس پیشنهاد خودش را مطرح کرد. اما در نهایت همه با پیشنهاد نرجس موافقت کردیم. او گفت: در راهپیمایی سال گذشته یک دفعه یک پارچه ی خیلی خیلی دراز دیدم که طرح پرچم روی آن بود و آدم ها زیرش می رفتند و شعار می دادند. خوب است که امسال خودمان یکی از این پرچم های طولی درست کنیم و در مدرسه نمایش راهپیمایی را بازی کنیم و بقیه ی بچه های مدرسه را به آمدن در زیر آن تشویق کنیم. اول باید یک پارچه ی بزرگ سفید برداریم. آن را به سه قسمت مساوی تبدیل کنیم و با قلمو و رنگ انگشتی، آن را رنگ کنیم و در حیاط مدرسه پهن کنیم تا خشک بشود و منتظر روز نمایش باشیم.

۹. ریسه ی هواپیمایی

مقوا

مداد رنگی

کاغذ

کاموا

پانچ

کاغذ رنگی

چسب



۹. ریشه ی هواپیمایی

هر سال به مناسبت دهه ی فجر، یک جشنواره ی فروش بازی و فعالیت در مدرسه مان برپا می کنیم. کلاس ما مسئول برگزاری فعالیت ساخت ریشه ی هواپیمای امام خمینی است. بچه های هر کلاس به چند گروه تقسیم می شوند. هر گروه باید یک ریشه کاغذی هواپیمایی درست کند. بعد از آن هر گروه باید جلوی بقیه ی بچه ها از مدل ساخت ریشه ی خودش دفاع کند. مثلا این که این ریشه چند متر است؛ از چه ابزارهایی برای ساخت آن استفاده شده است؛ و چه تعداد از آن درست کرده اند. به این ترتیب بقیه ی گروه ها به ارائه ی هر گروه امتیاز می دهند. گروه هایی که امتیاز بالاتری دریافت کنند بقیه ی اعضای کلاس به آن ها کمک می کند تا تعداد زیادی از آن ریشه ساخته شود و در جشنواره ی مدرسه فروخته شود.

۱۰. اخبار خمیری

خمیرهای رنگی رنگی



۱۰. اخبار خمیری

یکی از روزهای دهه فجر و ساعت فعالیت انتخابی در کلاس بود. بچه ها بازی با خمیر را انتخاب کردند. عارفه به ثمین گفت: من می خوام «امام آمد» رو با خمیر درست کنم. تو چی؟ ثمین گفت: منم می خوام با خودکار «امام آمد» رو روی خمیر بنویسم. زینب هم یک مقوای سفید برداشت و با خمیر قرمز و سبز، پرچم سه رنگ ایران را درست کرد. نرجس با خمیر کفشی ساخت که رویش نوشته بود «امام آمد» و پشتش خبر شادی آفرین «شاه رفت». این نخستین بار بود که می دیدم اخبار مهم انقلاب با خمیر نوشته شده است. راستی اگر تو بخواهی با خمیر، اخباری از انقلاب ایران را روایت کنی چه می نویسی؟

۱۱. روزنامه دیواری خانگی

مقوا

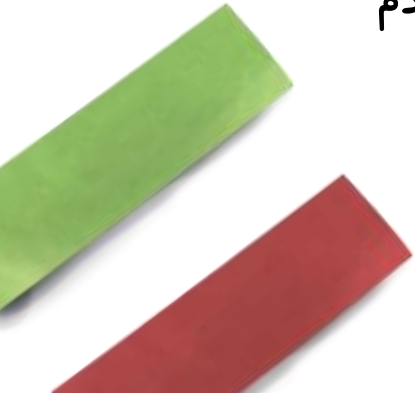
ماژیک

چسب

قیچی

کاغذ رنگی

پرینت عکس هایی از امام جون
و راهپیمایی مردم



۱۱. روزنامه دیواری خانگی


ما چمرانی ها ماهی یک بار به خانه یکی از همکلاسی هایمان می رویم. این بار در اردوی خانگی قصد داشتیم روزنامه دیواری درست کنیم. در خانه نرجس با کاغذی مواجه شدیم که یک نقشه راه برای رسیدن به ابزار روزنامه دیواری بود. کار جست و جو آغاز شد. پس از پیدا کردن وسایل، بچه ها دو گروه شدند و مشغول طراحی، نوشتن مطالب و چسباندن عکس ها و گل های کاغذی شدند.

نتیجه تلاش های بچه ها زیبا و دیدنی بود و در ادامه به همت بچه ها عطر سمبوسه دخترپز در فضای خانه دوستان پیچید.



نذری انقلاب

هرسال در مدرسه ی ما در ایام دهه ی فجر، جشنواره ای به اسم نذری های انقلابی برگزار می شود. برای آماده شدن این جشنواره، همه ی بچه ها، مربی ها و پدرها و مادرها حضور فعال دارند. و هرکس گوشه ای از کار را می گیرد.



۱. تخم مرغ پرچمی

تخم مرغ آبپز، خیارشور، گوجه، نان

ظرف یکبار مصرف

کاغذ

مداد رنگی



۱. تخم مرغ پرچمی

مسئولیت روز اول جشنواره را کلاس دومی ها به عهده گرفتند. بچه ها سه گروه شدند. یک گروه تخم مرغ آب پز، گروهی گوجه و خیار و گروه دیگر ظرف و قاشق را تهیه کردند. برای روی بسته ها هرکس پیشنهادی داد. بالاخره همه با پیشنهاد فاطمه یعنی کشیدن نقاشی پرچم موافقت کردند. بسته ها آماده شد. هر گروه نذری هایش را در یکی از مغازه های اطراف مدرسه پخش کرد. امروز همه ی مغازه دارهای اطراف مدرسه یک میان وعده ی انقلابی خوردند.

۲. یک کاسه آش رشته

آش رشته

کاسه

قاشق

کاغذ

مداد رنگی



۲. یک کاسه آش رشته

مربی های مدرسه، مسئول دومین روز جشنواره بودند. صبح، قیافه ی مربی ها دیدنی بود. هر کس، با یک قابلمه نخود و لوبیا و یک کیسه پر از سبزی وارد می شد. دیگ آش در حیاط برپا شد و کلاس سومی ها دستیار آشپز شدند. قابلمه که حسابی قل قل کرد، بچه ها آش ها را داخل کاسه ها ریختند.

امروز هر خانواده ی چمرانی یک کاسه آش رشته ی داغ کنار سفره ی غذایش داشت. خدارا شکر که قصه ی انقلاب، امنیت و آرامش را مهمان سفره هایمان کرد.

۳. شله زرد

شله زرد

کاسه یکبار مصرف

برچسب



۳. شله زرد

سومین روز جشنواره جمعه بود. برای این روز، خانواده ها باهم قرار گذاشتند در مدرسه جمع شوند و یک شله زرد دسته جمعی بپزند. هر خانواده ای که دوست داشت در این مراسم شرکت کرد. با آماده شدن شله زردها، بچه ها با نوشتن "دهه فجر مبارک" روی شله زردها را با دارچین تزیین کردند.

بعد به کمک باباها، گروه گروه داخل چند ماشین تقسیم شدند و شله زردهای خوشحال را در بیمارستان نزدیک مدرسه پخش کردند.

۴. کاپ کیک تبریک

آرد

شکر

تخم مرغ

شیر

بکینگ پودر

وانیل



۴. کاپ کیک تبریک

برای چهارمین روز جشنواره، می خواستیم کاپ کیک نذری بپزیم و دهه ی فجر را به هر کسی که می توانیم تبریک بگوییم. همه در کلاس مشغول کار بودند. وقتی مایه کیک آماده شد، کاپ کیک ها را در سینی فر چیدیم و آنها را روانه ی فر کردیم. کم کم عطر کاپ کیک ها در فضا پیچید. خاله پیشنهاد داد که به گاراژ کنار مدرسه برویم. تعدادی کارگر در آنجا مشغول کار بودند. آنها با لبخند کاپ کیک ها را برداشتند و از ما تشکر کردند. کاپ کیک ها در سرمای زمستان با یک چای داغ بسیار چسبید.

۵. کیک تولد انقلاب

آرد

روغن

تخم مرغ

آب


وانیل

اسمارتیز برای تزیین



۵. کیک تولد انقلاب

در آخرین روز جشنواره، هر خانواده به سبک خود، جشن انقلاب را در خانه ی خود برپا کرد. رسم خانواده ما این است که هر سال کیک را به رنگ پرچم ایران بخریم و شمع های آن را در شب بیست و دوم بهمن فوت کنیم. امسال که پروژه های آشپزی ما روی کیک متمرکز است قرار است کیک تولد انقلاب را خودم در خانه بپزیم.



اردوهای انقلابی



۱. ماموریت در برج آزادی

مداد

کاغذ



۱. ماموریت در برج آزادی

امروز هم زمان با ورود ما به کلاس، صدایی در کلاس پیچید. صدایی شبیه آماده شدن برای یک ماموریت بزرگ که در فیلم های پلیسی می آید. با شنیدن این صدا، متوجه شدیم یک اردوی پر ماجرا در پیش داریم. آقای حاجی ها ماموریت های اردوی امروز را روی تخته نوشت: ۱. مشاهده ی دقیق ۲. کشف کردن (شکل برج، شکل های هندسی و اشیای درون برج) ۳. ثبت کردن کشف ها در دفتر کشف (کارآگاهی) ۴. ساختن موشک پیام دار در بالای برج ۵. خواندن سرود ایستاده ایم. با دیدن برج آزادی، هرکس طبق ماموریت، شروع به کشیدن تصویر برج آزادی کرد. بعد از بازدید از بخش های مختلف برج، سوار آسانسور شدیم تا ماموریت به پرواز درآوردن موشک های پیام دار را انجام دهیم. محمدحسین اولین کسی بود که پیامش را نوشت و سوار موشک کرد. او برای این که محکم کاری کند پیامش را با کمربندی ایمنی از جنس چسب کاغذی بست. خوش به حال کسی که پیام او را دریافت می کند.

۲. بالابلندی در خانه شهید چمران؛ یار امام جون

کاغذ

پاستل

زیرانداز



۲. بالابلندی در خانه شهید چمران؛ یار امام جون

خاله لیلا در خانه _ موزه شهید چمران از کودکی تا بزرگسالی آن مرد بزرگ را بر ایمان روایت کرد؛ پس از آن زیرانداز انداختیم و شروع به نقاشی کشیدن کردیم. هر کدام مان سعی کردیم قسمتی از این خانه ی قدیمی و پر از جاذبه را با دقتی بسیار در ذهن خود ماندگار کنیم. از آنجا که بازی جزو برنامه های ثابت ما در اردوهایست. با هم بالابلندی و قایم باشک بازی کردیم. صدای بازی و شادی ما در خانه شهید چمران پیچیده بود و خاله لیلا با لبخندی بر گوشه لبش بازی ما را تماشا کرد.

۳. پیش به سوی خانه امام جون

کاغذهای رنگی

قیچی

چسب



۳. پیش به سوی خانه امام جون

روزی به خانه امام جون در جماران رفتیم. در حیاط خانه امام جون، جوب آبی جاری بود و خانه بسیار شلوغ بود. وارد حیاطی شدیم که به بیت امام جون راه داشت. خانه ای بسیار کوچک و قدیمی که در آن یک مبل ساده و عکسی از امام جون بود. به حسینیه جماران رفتیم و با بچه ها ریشه درست کردیم و آنها را به در و دیوار آنجا چسباندیم. دسته جمعی سرودهای «ای ایران» و «یار دبستانی من» را برای مهمانان خواندیم. جای امام جون بسیار خالی بود.

ای کاش ما هم در آن روزها که امام زنده بودند در کنار ایشان بودیم. آخر شنیده بودم که امام جون با بچه ها بسیار مهربان بودند.

۴. به وقت قرار...

چند خانواده پای کار

پرچم

کاغذ

نخ

بادکنک



۴. به وقت قرار...

روز بیست و دوم بهمن بود. ما خانواده های چمرانی در مدرسه جمع شده بودیم تا دسته جمعی با اتوبوس به راهپیمایی برویم. شیشه های اتوبوس را با نقاشی ها و شعارهایمان تزئین کردیم و به راه افتادیم. در اتوبوس بادکنک هایمان را باد کردیم تا در مسیر راهپیمایی به کودکان هدیه بدهیم. به میدان انقلاب که رسیدیم از یکی از سن ها بالا رفتیم و با هم سرود "ای ایران" را خواندیم.

خاطره شیرین آن روز همچنان در ذهنم ثبت شده است.